پرونده
زنانه‌شدن سالمندی

زهرا چیذری

ایرنا

در حالی که در گذشته سالمندان اغلب متأهل و دارای فرزند یا فرزندانی بودند که مسئولیت نگهداری از آنان را به عهده می‌گرفتند، در حال حاضر و به خصوص برای سال‌های آینده با پدیده سالمندان هرگز ازدواج نکرده مواجهیم؛ اینجا هم دوباره با پدیده زنانه بودن مواجهیم چراکه تعداد زنانی که به تجرد قطعی می‌رسند بیشتر از مردان مجرد سالمند است. از نگاه جامعه‌شناسان زمانی فردی که هرگز ازدواج نکرده و امیدی هم به ازدواج نداشته باشد به تجرد قطعی رسیده است

مادربزرگ‌های تنها

در سال ۱۴۰۰ به ازای هر ۱۰۰ زن سالمند، ۸۸ مرد سالمند خواهیم داشت و این یعنی سالمندی پدیده‌ای زنانه شده است

هر تار از موهای سفیدش حکایت از سنگ زیرین آسیاب شدن دارد و هر چین روی پیشانی‌اش هزاران غصه و قصه را روایت می‌کند که تا به امروز دیده و چشیده است. حالا دوران سالمندی‌اش را طی می‌کند. روزگاری که باید به پاس یک عمر تلاش و تجربه آرامش و آسایش را بچشد و در روزهای پایانی عمر از باقی مانده زندگی‌اش لذت ببرد اما واقعیت آن‌قدرها هم شیرین نیست. مادربزرگ بعد از مرگ پدربزرگ سال‌هاست طعم گس تنهایی را زیر زبانش دارد و سختی‌ها و بار زندگی را باید به تنهایی بر دوش بکشد. تنهایی سرنوشت بخش عمده‌ای از زنان سالمند کشورمان است به گونه‌ای که جمعیت زنان سالمند مجرد و تنها نسبت به مردان سالمند دو برابر است. پیش از این نیز فرید براتی‌سده، رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندان گفته بود بر اساس آمار در سال ۱۴۰۰ به ازای هر ۱۰۰ زن سالمند، ۸۸ مرد سالمند خواهیم داشت. این آمارها حکایت از آن دارد که با پدیده زنانه شدن سالمندی در آینده مواجه خواهیم بود و به واسطه آنکه زنان سالمند اغلب شانس کمتری برای ازدواج و در آمدن از تنهایی دارند، شاید سال‌های آینده شاهد شکل‌گیری خانه‌های سالمندان زنانه‌ای باشیم که خیل زنان سالمند تنها، سال‌های پایانی عمر خود را در آنجا می‌گذرانند.

پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برکت خانه هستند و وجودشان مایه آرامش است اما آمارها نشان از این دارد که جمعیت کشورمان با شتابی قابل تأمل به سمت پیری و سالمندی حرکت می‌کند و نسبت تعداد جوانان به سالمندان در آینده‌ای نه چندان دور به گونه‌ای خواهد شد که کسی نیست از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها مراقبت کند.

طبق آمارهای رسمی منتشر شده تا ۲۰ سال آینده بیش از ۱۵ درصد جمعیت کشور ما را سالمندان تشکیل می‌دهند. تا ۳۰ سال آینده نیز از هر چهار نفر، یکی بالای ۶۰ سال است و ما با پدیده سونامی سالمندان مواجه خواهیم شد. بر اساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت رفاه، به ازای هر ۱۰۰ نفر زن سالمند، ۹۷ مرد سالمند وجود دارد. این تغییر آمار زنان سالمند نسبت به مردان سالمند در سال‌های آینده می‌تواند جدی‌تر هم بشود به گونه‌ای که پیش از این فرید براتی‌سده، رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندان گفته بود بر اساس آمار در سال ۱۴۰۰ به ازای هر ۱۰۰ زن سالمند، ۸۸ مرد سالمند خواهیم داشت. چرایی تفاوت معنادار آمار زنان و مردان سالمند هم به پدیده‌ای موسوم به امید به زندگی بازمی‌گردد.

تفاوت ۳/۵ ساله امید به زندگی در زنان و مردان

میانگین امید به زندگی مردان ۷۲/۵ سال است اما امید به زندگی زنان ۷۶ سال است. بالاتر بودن سن امید به زندگی در زنان نشانه‌ای از مراقبت‌های بهداشتی و سلامتی بیشتر زنان است اما افسردگی در بین زنان پدیده‌ای شایع‌تر است به گونه‌ای که طبق آمار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۱۶/۸ درصد زنان و حدود ۱۰ درصد مردان دچار افسردگی هستند. این در حالی است که زنان در حوزه سلامت سالمندی با ۴۰/۹ درصد بیشترین وضعیت افسردگی را دارند. اما ببینیم چرا زنانه شدن سالمندی موضوعی حائز اهمیت تلقی می‌شود و این پدیده چه تبعاتی را بر جای خواهد گذاشت.

این پرونده به دنبال نگاه جنسیتی به پدیده سالمندی نیست. سالمندان چه زن و چه مرد به عنوان بخش مهمی از جامعه ما تلقی می‌شوند و باید برنامه‌ریزی‌های مناسبی برای مواجهه با پدیده سالمندی در کشور صورت گیرد تا مبادا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها سال‌های پایانی عمرشان را در زحمت و مضیقه بگذرانند. هدف این پرونده از بررسی زنان شدن پدیده سالمندی، زوایای کمتر مورد توجه قرار گرفته این پدیده است. به دیگر معنا زنان سالمند نیازها و شرایطی متفاوت از مردان سالمند دارند و آمارها و ارقام درباره سلامتی جسم و روان زنان سالمند از یک سو و از سوی دیگر شرایط زندگی و نیازهای این بخش از جامعه با عنایت به عدد و رقم بزرگ‌تری که به خود اختصاص داده‌اند، امری حائز اهمیت است که می‌تواند بر کیفیت زندگی زنان سالمند تأثیر بگذارد.

تنهایی مطلق در زنان سالمند مجرد

در حالی که در گذشته سالمندان اغلب متأهل و دارای فرزند یا فرزندانی بودند که مسئولیت نگهداری از آنان را به عهده می‌گرفتند، در حال حاضر و به خصوص برای سال‌های آینده با پدیده سالمندان هرگز ازدواج نکرده مواجهیم؛ اینجا هم دوباره با پدیده زنانه بودن مواجهیم چراکه تعداد زنانی که به تجرد قطعی می‌رسند بیشتر از مردان مجرد سالمند است.

از نگاه جامعه‌شناسان زمانی فردی که هرگز ازدواج نکرده و امیدی هم به ازدواج نداشته باشد به تجرد قطعی رسیده است. به باور جمعیت‌شناسان واژه تجرد قطعی برای افرادی به کار می‌رود که بدون حتی یک‌بار ازدواج، وارد سن ۴۰ سالگی شده‌اند و از آنجا که احتمال مجرد ماندن این افراد بسیار بیشتر از ازدواج است، در محاسبه شاخص تجرد قطعی از آمار این بخش از جامعه بهره می‌برند و ورود به سن ۵۰ سالگی احتمال ازدواج را تقریباً به صفر نزدیک می‌کند. مقایسه‌های آماری در جامعه ما از یک سو نشان‌دهنده افزایش آمار تجرد قطعی است و از سوی دیگر بر زنانه بودن این پدیده تأکید دارد.

در حالی که آمار تجرد قطعی در سال ۱۳۷۵ برای مردان حدود ۱/۱ درصد و برای زنان ۱/۲ درصد بوده، در سال ۱۳۹۵ به ۲/۳ درصد برای مردان و ۳/۷ درصد برای زنان رسیده است؛ این آمار نشان می‌دهد روند افزایشی تجرد قطعی در زنان، بسیار بیشتر از مردان بوده، به طوری که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ این شاخص برای مردان، حدود دو برابر شده اما برای زنان بیش از سه برابر بوده است. بنابراین در سال‌های آینده بخشی از زنان سالمند زنان هرگز ازدواج نکرده‌اند و بخشی دیگر نیز زنانی هستند که ازدواج کرده‌اند اما پیش از آنکه فرزندی داشته باشند طلاق گرفته‌اند. این مسائل پدیده بالا بودن نسبت زنان سالمند به مردان سالمند را مهم‌تر و پیچیده‌تر می‌کند. بر این اساس بخشی از زنانی که در سال‌های آینده به سنین سالمندی می‌رسند هیچ خانواده و خویشاوندی ندارند و در تنهایی مطلق به سر می‌برند. این تنهایی به معنای افزایش احتمال آسیب‌های روحی و روانی و به تبع آن آسیب‌های جسمی در این زنان است و از آنجایی که هیچ‌کس برای پذیرش سرپرستی آنان وجود ندارد، دولت و نهادهای اجتماعی باید این مسئولیت را به عهده بگیرند.

مردان سالمند یک‌چهارم زنان سالمند تنها هستند

در سبک‌های جدید زندگی سالمندی و تنهایی انگار همزاد یکدیگر شده‌اند. به بیان دیگر در حالی که در سنین سالمندی افراد نیاز بیشتر به همراهی و حضور اعضای خانواده در کنار خود دارند در سبک‌های جدید زندگی سالمندان تنها شده‌اند و این تنهایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی سالمندان، مطرح می‌شود این تنهایی در زنان سالمند به مراتب گسترده‌تر است. آمار زنان سالمندی که تنها زندگی می‌کنند سه تا چهار برابر مردان سالمند تنهاست و این پدیده می‌تواند چالشی جدی برای این جمعیت و همچنین جامعه به وجود آورد. آمار می‌گوید در حال حاضر یک‌پنجم معادل ۲۰ درصد زنان سالمند یعنی ۷۰۰ هزار نفر زن سالمند، تنها هستند اما این آمار در مردان یک‌چهارم زنان است.

علاوه بر این اگرچه امید به زندگی در زنان بیشتر از مردان است اما امید به زندگی توأم با سلامتی در زنان بالا نیست. زنان سالمند اغلب با مشکلات جسمی و حرکتی دست و پنجه نرم می‌کنند و همین مسئله هم می‌تواند زندگی آنها را در جمع خانواده تحت تأثیر قرار دهد. به بیان دیگر برخی خانواده‌ها به واسطه مشکلات جسمی سالمندان توانایی و شرایط نگهداری از آنان در کانون خانواده را ندارند و آنها را به مراکز شبانه‌روزی نگهداری از سالمندان می‌سپارند؛ جایی که حضور در آن روحیه و سلامت روان زنان سالمند را به شکلی جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به بیان دیگر فقدان نظام مراقبتی و حمایتی از سالمندان و فقدان بیمه‌های مراقبتی باعث می‌شود بسیاری از زنان سالمند اغلب سال‌های طولانی را با بیماری و درد طی کنند. علاوه بر اینها زنان سالمند اغلب شاغل نیستند و حقوقی دریافت نمی‌کنند مگر اینکه تحت حمایت نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد یا بهزیستی باشند. به همین خاطر هم هست که این زنان بیشتر از مردان سالمند تحت فشارهای اقتصادی و مالی قرار دارند و اغلب موارد برای تأمین هزینه‌های زندگی خود محتاج دریافت کمک دیگرانند.

نظر کارشناس

تعداد سالمندان زن در کشور افزایش بیشتری نسبت به مردان سالمند داشته است

نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت ایران، سالمندان (افراد بالای ۶۰ سال) هستند. در سال ۱۳۵۵ پنج درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دادند و در طول ۴۰ سال گذشته، نسبت جمعیت دو برابر شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۲۰ دو برابر شدن جمعیت سالمندان را تجربه خواهیم کرد، یعنی جمعیت سالمندان به ۲۰ درصد می‌رسد و این دوبرابر شدن، در سال‌های پس از ۱۴۲۰ در مدت‌زمان کوتاه‌تری اتفاق خواهد افتاد. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته دنیا که منابع بیشتری از ما دارند دو برابر شدن جمعیت سالمندی در طول ۱۰۰ سال اتفاق افتاده است؛ این امر نشان می‌دهد که ما فرصت چندانی نداریم و الان نیز در خصوص مراقبت‌های سالمندان وضعیت‌مان مطلوب نیست. باید سالمندی سالم و فعال در جامعه اتفاق بیفتد؛ این اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه از بدو تولد تا سالمندی بتوانیم سبک زندگی سالمی داشته باشیم. آن‌چه باید اتفاق بیفتد مراقبت‌های بهداشتی و سبک زندگی سالم است. به بیان دیگر اگر مردم ما سالم پیر شوند، مشکلی با افزایش جمعیت سالمندی نخواهیم داشت. پدیده دیگری که در حوزه سالمندی شاهد هستیم زنانه شدن سالمندی کشور است. یعنی سالمندان زن در کشور افزایش بیشتری نسبت به مردان سالمند داشته و تعداد مردان متأهل نسبت به زنان بیشتر است، شاید چون بیشتر مردان بعد از فوت همسر در سنین بالا ازدواج می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ۸۰ درصد مردان سالمند در کشور متأهل هستند و میزان تأهل در زنان سالمند حدود ۴۰ درصد است. موضوع دیگر اینکه معمولاً زنان منبع درآمد ندارند و باید به این قضیه توجه کرد که افراد در سنین سالمندی فقط نیازمند مسائل درمانی نیستند بلکه به خدمات رفاهی هم نیازمند هستند و باید به این گروه توجه ویژه داشت.

محسن شتی
رئیس اداره سلامت سالمندان وزارت بهداشت

فقط نیمی از زنان سالمند همسر دارند

در حال حاضر حدود ۴۹ درصد از سالمندان ایران مرد و ۵۱ درصد زن هستند و پیش‌بینی‌ها نیز نشان می‌دهد با گذشت زمان، سهم زنان سالمند بیشتر از مردان خواهد شد چراکه امید زندگی زنان بیش از مردان است. علت افزایش امید به زندگی در زنان به عواملی چون سبک زندگی، شرایط بیولوژیکی و علت کاهش امید زندگی در مردان به عواملی چون مرگ و میرهای ناشی از اعتیاد، الکلیسم و سوانح و تصادفات مرتبط است. آمارهای سال ۹۵ نشان می‌دهد ۹۱ درصد از مردان سالمند دارای همسر، حدود ۷ درصد بدون همسر در اثر فوت، ۰/۸ درصد بدون همسر در اثر طلاق و ۰/۷ درصد مجرد هستند. همچنین ۵۴ درصد از زنان سالمند دارای همسر، ۴۴ درصد بدون همسر در اثر فوت، ۱/۴ درصد بدون همسر در اثر طلاق، و ۱/۱ درصد مجرد هستند. در این آمارها تفاوت چشمگیری میان جمعیت مردان سالمند متأهل و زنان سالمند متأهل وجود دارد که علت آن به مرگ و میر بالای مردان و اختلاف سنی زوجین در بدو ازدواج بازمی‌گردد. همچنین حدود ۸۶ درصد از خانوارهای ایرانی مرد سرپرست و حدود ۱۴ درصد (حدود ۳ میلیون نفر) زن سرپرست هستند که از میان حدود ۳ میلیون زن سرپرست، حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از آنها بیش از ۶۰ سال سن دارند؛ به عبارت دیگر ۸۶ درصد از زنان سرپرست خانوار سالمند هستند که از این میان حدود ۶۳ درصد از آنها تنها زندگی می‌کنند. در خوشبینانه‌ترین حالت می‌توان ادعا کرد حدود ۴۰ درصد از سالمندان از تمکن مالی برخوردار هستند. حدود ۱/۵ میلیون نفر از افراد تحت پوشش کمیته امداد سالمند هستند اما ممکن است برخی سالمندان امکان تحت پوشش بیمه قرار گرفتن را نداشته باشند و با دریافت حداقل حقوق خود یا کمک آشنایان بتوانند مخارج زندگی خود را تأمین کنند. اگرچه توانسته‌ایم امید به زندگی را در جامعه افزایش دهیم اما امید به زندگی توأم با سلامت وجود ندارد و به همین خاطر و با عنایت به افزایش آمار سالمندان در جامعه لازم است تا این قشر دراولویت قرار گیرند.

شهلا کاظمی‌پور؛ جمعیت‌شناس

شتاب رشد سالمندی بر سایر بخش‌های جامعه اثرگذار است

در جامعه امروزی با جهانی شدن سالمندی مواجه هستیم و در حال حاضر دنیا به سمت سالمندی می‌رود و در ۳۰ سال آینده ایران کشوری پیر خواهد بود. برای اولین بار در جهان در ۳۰ سال آینده تعداد سالمندان از تعداد کودکان و خردسالان بیشتر خواهد بود. ایران هم از این قاعده کلی مستثنی نیست. در حال حاضر در ایران ۹ درصد جمعیت را سالمندان تشکیل می‌دهند اما در ۳۰ سال آینده این میزان به ۲۵ درصد می‌رسد و عملاً شاهد سونامی سالمندی در کشور خواهیم بود.

رشد جمعیت سالمندی در ایران بسیار بالاست. در زمینه برنامه‌ریزی برای افزایش این نرخ از ۹ درصد به ۲۵ درصد در مدت ۳۰ سال با محدودیت زمانی روبه‌رو هستیم چراکه این روند شتاب‌زده صعودی بسیاری از بخش‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این میان سالخوردگی زنانه مهم‌ترین دغدغه پیش روی کشور است. به دلیل اینکه امید به زندگی در بانوان بالاتر است در آینده با سالخوردگی زنانه روبه‌رو هستیم و این امر سبب می‌شود تا جمعیت زنان عمر طولانی اما کیفیت زندگی پایینی داشته و از وضعیت سلامت مطلوبی برخوردار نباشند که به دنبال برنامه‌ریزی برای این گروه نیز هستیم.

مریم حضرتی
معاون پرستاری وزیر بهداشت

یادداشت

ازدواج ۹ برابری پدربزرگ‌ها نسبت به مادربزرگ‌ها

محمدمهدی نیک‌ضمیر

فرقی نمی‌کند چه سن و سالی داشته باشید. تنهایی در هر سن و سال و هر مرحله از زندگی سختی‌های خودش را دارد.

جنس تنهایی در دوران سالمندی با تنهایی در دوران جوانی فرق می‌کند. دوران سالمندی دوران آرامش و نیاز است. وقتی گرد پیری روی موهای‌مان می‌نشیند بیشتر از دوره جوانی به همدم و همراه، هم‌صحبت و همدل نیاز داریم. اما دوران پیری اغلب با تنهایی و افسردگی همراه است. کمتر زوج سالمندی را می‌بینیم دعای به پای هم پیر شدن، برای‌شان مستجاب شده باشد. خیلی وقت‌ها همسفرانی که زندگی خود را به امید پیر شدن به پای هم تا پایان عمر آغاز می‌کنند در میانه راه یکدیگر را تنها می‌گذارند. اغلب موارد این تنها ماندن‌ها به خاطر پیاده شدن یکی از زوجین از قطار زندگی است.

در این بین خیلی وقت‌ها پدربزرگ‌ها به سراغ ازدواج مجدد می‌روند تا در دوران پیری از تنهایی دربیایند. جامعه هم کمتر نسبت به این ماجرا واکنش نشان می‌دهد و معمولاً خانواده پیرمردها این پذیرش را دارند که پدر یا پدربزرگ خانواده بعد از فوت مادر یا مادربزرگ به سراغ تجدید فراش برود اما این مسئله در بین خانم‌ها بسیار کمتر دیده می‌شود به همین خاطر هم اغلب موارد با مرگ زوج همسرش تا پایان عمر تنها می‌ماند. آمار سخنگوی سازمان ثبت احوال هم این مسئله را تأیید می‌کند.

به گفته سیف‌الله ابوترابی سخنگوی سازمان ثبت احوال، ۸/۱ درصد ازدواج‌های انجام شده در سال ۱۳۹۸ مربوط به مردان سالمند ۶۰ ساله و بیشتر از آن بوده است.

طبق آمار آقای سخنگو ۹ هزار و ۵۵۲ مورد از ازدواج‌های سال گذشته مربوط به مردان ۶۰ ساله و بیشتر از آن بوده است این در حالی است که فقط ۱۳۵۸ ازدواج (۰/۲۶ درصد از کل ازدواج‌ها) برای زنان سالمند در این سال ثبت شده است. نکته جالب این آمار ثبت ازدواج ۱۲۵۶ مرد و زن هر دو سالمند (۶۰ ساله و بیشتر) در سال ۱۳۹۸ است. البته از نگاه ابوترابی در بسیاری از موارد زن و شوهر به لحاظ شرعی در قید زوجیت هستند، اما ازدواج خود را با تأخیر ثبت کرده‌اند.

بر پایه داده‌های سال ۱۳۹۸، امید به زندگی مردان در بدو تولد ۷۳/۳ سال و امید به زندگی زنان در بدو تولد ۷۶/۵ سال است. آمار بیشتر زنان سالمند نسبت به مردان سالمند خودش، عاملی مهم برای افزایش تنهایی مادربزرگ‌ها نسبت به پدربزرگ‌هاست اما در کنار این، تابوهای اجتماعی اغلب مانع می‌شود که زنان سالمند بتوانند ازدواج کنند. به همین خاطر هم بسیاری از مادربزرگ‌ها به رغم علاقه و آمادگی برای ازدواج مجدد به‌واسطه نگاه و قضاوت اطرافیانشان تا آخر عمر تنها می‌مانند. این در حالی است که ازدواج سالمندان یکی از بهترین راهکارهایی است که می‌تواند کیفیت زندگی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها را ارتقا دهد و نشاط و سرزندگی را به آنان بازگرداند. در این زمینه به خصوص برای ازدواج و تنها نماندن مادربزرگ‌ها نیازمند فرهنگ‌سازی هستیم.

تمام اعضای جامعه نه فقط فرزندان سالمندان باید بدانند ازدواج و داشتن شریک زندگی و همدم در ایام کهولت سن مهم‌تر از دوران جوانی است. سالمندان نیازمند هم‌صحبتی با کسی هستند که از جنس خودشان باشد و بتواند آنها را درک کند. این اتفاق می‌تواند در ازدواج‌های میان پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که فاصله سنی مناسبی هم دارند بهتر رخ دهد. اما تابوهای فرهنگی به خصوص در میان زنان سالمند، موجب شده تا آنان از ازدواج مجدد خودداری کنند. در حالی که ازدواج مجدد علاوه بر از تنهایی درآوردن سالمندان زندگی آنان را سلامت‌تر و کیفی‌تر می‌کند و زوجین سالمند می‌توانند برای پایان عمری دلپذیر یکدیگر را همراهی کنند. این مهم نیازمند همراهی ما جوانان با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایمان است. اگر ما این مسئله را بپذیریم مسلماً آنها هم برای ازدواج مجدد تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

بر پایه برآوردها، امید می‌رود به طور میانگین مردان سالمند گروه سنی ۶۵ تا ۶۹ سال، ۱۵/۴ سال و زنان سالمند ۶۵ تا ۶۹ ساله، ۱۶/۲ سال دیگر زندگی کنند. امید به زندگی برای هر یک از مردان و زنان سالمند گروه سنی ۷۰ تا ۷۴ سال، به‌طور متوسط ۱۱/۶ و ۱۲/۱ سال و امید به زندگی در سن ۸۰ سالگی و بیشتر برای مردان و زنان به‌ترتیب ۷/۵ و ۷/۶ سال است. با این اوصاف وقتی مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها می‌توانند سال‌های پایانی عمرشان را با ازدواج مجدد کیفی‌تر کنند چرا باید در تنهایی و انزوا زندگی‌شان را پایان دهند؟